

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تی بری میسان - par Thierry Meyssan
برگردان از: حمید محوی
۰۷ فیبروری ۲۰۱۵

عملیات سرکوزی: چگونه سازمان سیا یکی از مأمورانش را به ریاست جمهوری فرانسه رساند

پیشگفتار:

هرچند در شرایط کنونی «نیکلا سرکوزی» سگ مرده ای را مانند است که لگد زدن به آن، به غیر از آلودگی کفش انسان نتیجه دیگری به بار نمی آورد، با آنهم ما این مقاله را بیشتر به خاطر افشای سیستم نفوذی که «سیا» به کار برده و جهت اداره جهان کادر پرورش می دهد، دارای ارزش بسزائی دانسته، منتشر نمودیم. با مطالعه این مقاله به وضاحت دیده می شود که «سیا» برای کشوری با قدرت اتمی و یکی از متحدان ستراتیژیک آن- با فراز و نشیب های چندی- در رویارویی با شوروی سابق که در کل مواجه با بحران قدرت و حاکمیت نبوده؛ جهت رسیدن به اهداف خودش کادر لازم تا رسیدن به مقام ریاست جمهوری را پرورش می دهد. وقتی در آنجا با چنان سابقه و خصوصیتی سیاست چنان است، آیا می توان تصور نمود که برای کشور هائی از نوع افغانستان که از ۴ دهه بدین سو، گذشته از بحران قدرت و حاکمیت، موجودیت آنها نیز از طرف نیروهای منطقه ئی و بین المللی زیر سؤال برده شده است، «سیا» دست بسته نشسته و نسلی از میهن فروشان را جهت رسیدن به اهداف استعماری شان پرورش نداده باشد؟

فقط با مطالعه چنین مطالبیست که عروج آنی کرزی ها، اشرف غنی ها، عبدالله عبدالله ها و ده ها و صد ها میهن فروش دیگر از قماش آنها می تواند پاسخ خاص خود را بیابد.

با وجود چنین دلایل و علایم، اگر باز هم کسانی پیدا شوند و چنین تمهیدات استعماری را نادیده گرفته، گویندگانش را به تأثیر پذیری از تئوری توطئه متهم نمایند، بدون کمترین شکی می توان، اتهام زنان را نیز بخشی از این فعالیت های استخباراتی معرفی داشت.

اداره پورتال AA-AA

نیکلا سرکوزی باید مبتنی بر کارهائی که انجام داده مورد قضاوت قرار گیرد و نه به خاطر ویژگی شخصیتی اش. ولی وقتی کارهایش حتی رأی دهندگان او را نیز شگفت زده می کند، در این صورت ضروری خواهد بود که به

جزئیات زندگینامه او مفصل در مناسبات و پیوندهائی پردازیم که او را به قدرت رسانده است. در اینجا تی پری میسان بر آن است تا حقیقت را در مورد ریشه فامیلی رئیس جمهور فرانسه مورد بررسی قرار دهد. تمام اطلاعات موجود در این نوشته قابل بررسی و دسترسی هستند، به جز دو مورد که تنها نویسنده مسئولیت آن را به عهده می گیرد.

شبكة بین المللی ولتر / الماتی (قزاقستان) / ۱۹ جولای ۲۰۰۸



فرانسوی ها خسته از دوران بسیار طولانی ریاست جمهوری فرانسوا میتران (François Mitterrand) 21 مه ۱۹۸۱ تا ۱۷ مه ۱۹۹۵) و ژک شیراک (Jacques Chirac) (7 مه ۱۹۹۵ تا ۱۶ مه ۲۰۰۷) نیکیلا سرکوزی (Nicolas Sarkozy) را انتخاب کردند و روی انرژی او حساب باز کرده بودند تا به کشورشان جان تازه ای ببخشند. آنها امیدوار بودند که با سال ها سکون و ایدئولوژی از کار افتاده متارکه کنند. ولی امیدهایشان سرانجام به متارکه با اصول بنیانگذار ملت فرانسه منتهی شد. فرانسوی ها از این « سوپر من » رئیس جمهور شگفت زده شدند که هر روز پرونده جدیدی را در اختیار می گرفت و چپ و راست را جذب می کرد و تمام خط فاصل ها را در هم می ریخت تا سرانجام به ایجاد هرج و مرج کامل نائل آمد.

مثل کودکانی که کار خیلی بدی انجام داده باشند، فرانسوی ها خیلی در گیر جست و جوی بهانه هستند تا وسعت خسارت وارد آمده و ساده دلی شان را بپذیرند. فرانسوی ها نمی خواهند ببینند که واقعاً نیکیلا سرکوزی کیست، یعنی پرسشی که خیلی پیش از اینها باید مطرح می کردند و به آن پی می بردند.

بی گمان مرد بسیار زبر دستی به نظر می رسد، و مانند فرد شعبده بازی موفق شد با به نمایش گذاشتن زندگی شخصی اش در مجلات پوپل people توجه عمومی را از سیر تحولی سیاسی اش منحرف سازد.

امیدوارم هیچ ابهامی در مورد این نوشته وجود نداشته باشد : موضوع این نیست که آقای سرکوزی را به خاطر مناسبات فامیلی، دوستانه و حرفه ئی اش سرزنش کنیم، بلکه انتقادی را که به او وارد می دانیم این است که وابستگی هایش را از فرانسوی ها پنهان ساخته به شکلی که آنها تصور کردند که انتخاب آنها روی فرد آزادی انجام گرفته است.

برای درک این حقیقت که چگونه فردی که امروز همه او را به عنوان مأمور ایالات متحده و اسرائیل شناسایی کرده اند موفق شد ابتداء به ریاست حزب گولیست و سپس به ریاست جمهوری فرانسه نائل آید، باید به گذشته خیلی دور بازگردیم. در اینجا باید در حاشیه داستان طولانی را پی گیری کنیم که طی آن شخصیت هائی را معرفی خواهیم کرد که امروز به کام خود رسیده اند.

اسرار خانوادگی

در پایان جنگ جهانی دوم، سرویس های مخفی ایالات متحده برای تأمین امنیت بنادر امریکائی و برای تدارک پیاده کردن نیروهای متفقین در ساحل سیسیل روی همکاری پدرخوانده ایتالیائی- امریکائی لوکی لوچیانو Lucky Luciano حساب باز می کنند. تماس های لوچیانو با سرویس های ایالات متحده به ویژه از طریق فرانک ویسنر Frank Wisner Sr صورت می گرفت، وقتی «پدر خوانده» از زندان آزاد شد و به ایتالیا رفت تماس ها با میانجیگری «سفیرش» اتین له آندری Étienne Léandri (از اهالی کورس - فرانسه) ادامه یافت (مترجم : البته زندگینامه لوکی لوچیانو در اینجا خیلی به اختصار مطرح شده).

در سال ۱۹۵۸، ایالات متحده نگران امکان پیروزی جبهه آزادیبخش ملی در الجزائر است که می تواند راه را برای نفوذ شوروی در افریقای شمالی هموار سازد، در نتیجه تصمیم می گیرد در فرانسه کودتای نظامی راه بیندازد. عملیات در هماهنگی با مدیریت و برنامه ریزی سازمان سیا رسماً به مدیریت فرانک ویسنر و ناتو سازمان دهی شد. ولی ویسنر دچار هذیان و جنون می شود، و سرانجام جانشین او آلن دالس Allan Dulles بر اجرای طرح توطئه نظارت می کند. از الجزائر دو ژنرال فرانسوی کمیته امنیت دولتی ایجاد می کنند که قدرت مدنی پاریس را تحت فشار قرار می دهد و بی آن که نیازی به اعمال زور داشته باشد آن را وادار می سازد که برای انتقال تمام قدرت به ژنرال دوگل رأی بدهد (۱).

ولی شارل دوگل آن مهره ای نبود که آنگلو ساکسون ها فکر می کردند می توانند به بازی بگیرند. در نخستین گام، دوگل تصمیم می گیرد که از تضاد استعماری خارج شود و با چنین هدفی است که با طرح خودمختاری در سطح گسترده برای سرزمین های ماورای دریائی در بطن اتحادیه فرانسه موافقت می کند. ولی چنین طرحی دیگر برای نجات امپراتوری دیر شده و مردم سرزمین های استعمار شده به قول و قرارهای متروپل باور نمی کنند و خواستار استقلال می شوند. پس از راه اندازی سرکوب سبعانه و پیروزمندانه علیه استقلال طلبان، دوگل بیدار می شود و با هوشیاری سیاسی کم نظیری سرانجام با استقلال مستعمرات موافقت می کند. این تغییر جهت از سوی اغلب آنهایی که او را به قدرت رسانده بودند به عنوان خیانت تلقی شد. در نتیجه برای از بین بردن او سازمان سیا و ناتو به هر توطئه ای دست زدند و از جمله کودتائی که ناکام ماند، به انضمام چهل بار سوء قصد (۲). با این وجود برخی از طرفدارانش سیر تحول سیاسی او را تأیید کردند و برای حفاظت از او پیرامون شارل پسکوا Charles Pasqua سرویس عملیات مدنی (معروف به پولیس موازی) را ایجاد کردند.



پسکوا در عین حال یک مافیائی کورس و جزء گروه های مقاومت قدیمی است. او با دختر یک باتلگر bootlegger (اصطلاح انگلیسی برای قاچاقچیان مشروبات الکلی در سال های ۱۹۱۷ تا ۱۹۳۵) ازدواج می کند که طی دوران ممنوعیت الکحل در امریکا و کانادا به ثروت دست یافته بود. پسکوا پس از رایج ساختن مشروب افسنتین، الکلی که ممنوع بود، گرداننده شرکت ریکار Ricard شد و با فروش مشروب انیسون (بادیان رومی) به شهرت و اعتبار دست یافت. ولی شرکت او پوششی شد برای تداوم انواع و اقسام قاچاق در رابطه با خانواده ایتالیائی-امریکائی-نیویورکی جنویس Genovese، یعنی خانواده لوکی لوچیانو. با این وصف جای شگفتی نیست که پسکوا برای استخدام بازوهای نیرومند در تشکیل شبه نظامیان گولیست همکاری اتین له آندری Étienne Léandri («سفیر» لوچیانو) را فراخواند (۳).

یک نفر دیگر، یک نفر سومی نیز نقش مهمی در تشکیل پولیس موازی به عهده داشت، این نفر سوم، محافظ نزدیک قدیمی دوگل، آشیل پرتی Achille Peretti بود که او نیز از اهالی کورس بود. بر این اساس دفاع متشکل شد و دوگل با افتخار سیاست استقلال ملی را ترسیم کرد. با تأیید تعلق به جبهه آتلانتیک رهبریت آنگلساکسون را زیر علامت سؤال برد. شارل دوگل با ورود بریتانیا به بازار مشترک اروپا مخالف کرد (۱۹۶۷-۱۹۶۱)، با استقرار کلاه آبی های سازمان ملل متحد در کنگو نیز مخالفت کرد (۱۹۶۱)، کشورهای امریکای جنوبی را برای رهائی خود از سیطره امپریالیسم ایالات متحده تشویق کرد (سخنرانی مکزیکو ۱۹۶۴)، ناتو را از فرانسه اخراج نمود و از ستاد فرماندهی آتلانتیک بیرون آمد (۱۹۶۶)، جنگ ویتنام را محکوم کرد (سخنرانی پنوم پن ۱۹۶۶)، توسعه طلبی اسرائیل را طی جنگ شش روزه محکوم کرد (۱۹۶۶)، از استقلال کبک پشتیبانی کرد (سخنرانی مونترآل ۱۹۶۷)، و این فهرست ادامه دارد.

هم زمان، دوگل قدرت فرانسه را با گسترش مجتمع نظامی-صنعتی به انضمام قدرت بازدارنده هسته ای تقویت می کند و ضامنی برای ذخیره انرژی به وجود می آورد. کورس های دست و پا گیری که در اطراف او بودند را به شکل سودمندی دور می سازد، به این معنا که آنها را به پست هائی در خارج از کشور فرا می خواند. بر این اساس اتین له آندری Étienne Léandri برای نمایندگی تجاری گروه الف Elf (امروز توتال Total) برگزیده می شود، و شارل پسکوا نیز به مرد سیاسی قابل اطمینان برای دولت های افریقای فرانسوی زبان گماشته می شود.

دوگل با آگاهی به این امر که نمی تواند انگلوساکسون ها را هم زمان در تمام زمینه ها به مبارزه بطلبد با خانواده روتشیلد Rothschild متحد می شود. سپس به عنوان نخست وزیر و تحکیم قدرت بانک ژرژ پمپیدو را انتخاب می کند. هر دو مرد سیاسی اتحاد مؤثری را ایجاد می کنند. شجاعت سیاسی اولی هرگز واقع گرائی اقتصادی دومی را از نظر دور نمی سازد.

وقتی دوگل در سال ۱۹۶۹ استعفاء داد، ژرژ پمپیدو به شکل کوتاه مدت جایگزین او شد ولی خیلی زود به دلیل بیماری سرطان چشم از جهان فروبست. گلیست های تاریخی رهبریت او را نمی پذیرند و نگران تمایلات انگلیسی او بودند و وقتی او به یاری دبیر اول الیزه ادوارد بلادور Edouard Balladur با ورود البیون خیانتکار (« la perfide Albion » البیون نام قدیمی بریتانیا بوده ، البیون خیانتکار به شکل تحقیر آمیز برای انگلستان به کار می رود) به بازار مشترک اروپا موافقت می کنند، با فریاد او را به خیانت متهم می کنند.

اختراع نیکلا سرکوزی

با این چشم اندازی که به نمایش گذاشتیم، به شخصیت اصلی در این نوشته یعنی نیکلا سرکوزی می پردازیم. سال ۱۹۵۵ به دنیا آمد، او فرزند یکی از اشراف کاتولیک مجارستان است، پال سرکوزی دو ناگی بوکسا Pal Sarkösy de Nagy-Bocsa از مقابل ارتش سرخ فرار می کند و به فرانسه پناهنده می شود، و آندره مالا Andrée Mallah یک یهودی عادی از اهالی تسالونیک (دومین شهر بزرگ یونان) پس از به دنیا آوردن سه فرزند (گیوم، نیکلا و فرانسوا)، زوج طلاق می گیرند. پال سرکوزی دو ناگی بوکسا دوباره با یک آریستوکرات ازدواج می کند، کریستین دو گانی Christine de Ganay که از این ازدواج دو فرزند به دنیا می آیند (پی بر اولیویه و کارولین). سر پرستی نیکلا تنها به والدین خود او سپرده نمی شود بلکه در این خانواده دوباره تشکیل شده و دائماً دست به دست می شود.

مادرش منشی آشیل پرتی Achille Peretti (گارد نزدیک دوگل) بود. پس از تشکیل پولیس موازی، گارد نزدیک دوگل کار سیاسی درخشانی را به تحقق رسانده بود و پی گیری می کرد. آشیل پرتی به عنوان نماینده انتخاب شد و سپس شهردار نوئی سور سن Neuilly-sur-Seine ثروتمندترین حومه مسکونی پاریس و سپس به ریاست مجلس ملی نائل آمد.

متأسفانه در سال ۱۹۷۲، آشیل پرتی شدیداً متهم شد. در ایالات متحده مجله تایم از روی یک سازمان تبهکار مخفی پرده برداشت، نام این سازمان « اتحاد کورس » بود که بخش مهمی از قاچاق مواد مخدر بین اروپا و امریکا را کنترل می کرد « French connexion » (رابط فرانسوی) که هالیوود می بایستی به روی اکران بیاورد به همین ماجرا مربوط می شد. تایم با اتکاء به سخنانی های پارلمانی ها و تجسسات خود، نام یک رئیس مافیا را یادآور می شود، ژان وانتوری Jean Venturi چند سال پیش از این در کانادا بازداشت شده بود، این فرد در واقع نماینده بازرگانی شارل پسکوا برای شرکت مشروبات الکلی ریکار بود. نام چند خانواده که «اتحاد کورس» را مدیریت می کردند از جمله آشیل پرتی در فهرست آورده می شود ولی آشیل پرتی این اتهام را مردود می داند، با این وجود مجبور می شود از ریاست مجلس ملی صرفنظر کند و از یک خودکشی نیز جان سالم به در برد.

در سال ۱۹۷۷، پال سرکوزی از دومین همسر خود جدا می شود، سپس کریستین دوگانی با شماره ۲ وزارت امور خارجه ایالات متحده ازدواج می کند و در امریکا مستقر می شود. از آنجائی که در جهان کوچکی زندگی می کنیم، شوهر او فرانک ویسنر جوان Frank Wisner است. کارکردهای ویسنر در سازمان سیا شناخته شده نیست، ولی

روشن است که نقش مهمی به عهده داشته است. نیکلا که به زن پدرش و برادر و خواهر ناتنی خود نزدیک است، دائماً به ایالات متحده می رود و در آنجا از برنامه های آموزشی وزارتخانه بهره مند می شود.

در همان دوران نیکلا سرکوزی به حزب گولیست پیوست. در سال ۱۹۸۲ نیکلا سرکوزی با به پایان رساندن تحصیلاتش در رشته حقوق و ثبت نام در دادگستری، با خواهر زاده آشیل پرتی ازدواج می کند. شاهد ازدواج او شارل پسکوا است. به عنوان وکیل دادگستری، سرکوزی از منافع دوستان کورس و مشاورانش دفاع می کند. یک خانه ویلایی در جزیره کورس در ویکو Vico خریداری می کند و تصمیم می گیرد نامش را بر اساس سنت کورس عوض کند و به جای «y» حرف «i» را جایگزین می کند در نتیجه Sarkozy به Sarkozi تبدیل می شود. سال بعد به عنوان شهردار نوئی - سور - سن جایگزین دائمی خوانده اش آشیل پرتی شد که دچار حمله قلبی شده بود.

با این وجود، طولی نکشید که نیکلا به همسرش خیانت کرد، از سال ۱۹۸۴ با سسیلیا Cécilia همسر شومن مشهور تلویزیون فرانسه در آن دوران یعنی ژک مرتن Jacques Martin رابطه مخفیانه ای را آغاز می کند. او با سسیلیا وقتی عروسی اش را با جک مرتن به عنوان شهردار نوئی - سور - سن برگزار می کرد آشنا شد. این زندگی مخفیانه پنج سال به طول انجامید، پیش از آن که عاشق و معشوق از همسران خود جدا شوند و زندگی مشترک تازه ای را با یکدیگر آغاز کنند.

در سال ۱۹۹۲ نیکلا سرکوزی شاهد ازدواج کلود دختر ژک شیراک با یک مفسر خبری در روزنامه فیگارو بود. نیکلا نمی تواند شیفته کلود نشود و او را نفریبید. در حالی که رسماً با سسیلیا زندگی می کند، مدت کوتاهی با کلود مخفیانه ملاقات می کند. شوهر گول خورده با بلعیدن مواد مخدر خودکشی می کند. بین ژک شیراک و نیکلا سرکوزی متارکه قطعی و بی بازگشت است.

سال ۱۹۹۳، چپ در انتخابات پارلمانی شکست خورد. رئیس جمهور فرانسوا میتران از استعفاء امتناع می کند و ائتلاف با نخست وزیر دست راستی را ترجیح می دهد. ژک شیراک که خواهان مقام ریاست جمهوری است با ادوارد بلادور اتحادی مشابه دوگل و پمپیدو تشکیل می دهد و از ماندگار شدن در مقام نخست وزیری قطع نظر می کند. براین اساس راه را برای ارتقاء دوست دیرینه اش ادوارد بلادور به مقام نخست وزیری هموار می سازد. با وجود تمام گذشته پر تلاطم جهانی، شارل پسکوا به عنوان وزیر کشور برگزیده شد.

اگر شارل پسکوا انحصار ماریجوانای مراکشی را در اختیار دارد، از موقعیت خود برای قانونی سازی فعالیت هایش در زمینه های دیگر مانند کنترل کازینوها، بازی ها و اسب دوانی در افریقای فرانسوی زبان استفاده می کند. مناسباتی با عربستان سعودی و اسرائیل برقرار می سازد و مقام افسر افتخاری موساد را به او اهداء می کنند. نیکلا سرکوزی نیز وزیر بودجه و سخن گوی دولت است.

در واشنگتن، فرانک ویسنر جایگزین پل ولفوویچ Paul Wolfowitz می شود که مسئول برنامه ریزی سیاسی در وزارت دفاع است. هیچ کس متوجه مناسبات بین سخن گوی دولت فرانسه با ویسنر نیست.

به این ترتیب در بطن حزب گولیست تنش بازتولید می شود که ۳۰ سال پیش از این بین گولیست های تاریخی و راست مالی به وجود آمد و نماینده آن نیز ادوارد بلادور بود. ولی موضوع تازه خیانت اتحادیه شارل پسکوا و نیکلا سرکوزی جوان علیه ژک شیراک برای نزدیک شدن به جریان روتشیلد بود. همه چیز از مسیر عادی خارج می شود. منازعه در سال ۱۹۹۵ به اوج می رسد یعنی وقتی که ادوارد بلادور علیه دوست قدیمی اش ژک شیراک نامزد ریاست جمهوری می شود و در انتخابات شکست می خورد. به ویژه، بر اساس راه کارهای لندن و واشنگتن،

دولت بلادور گفت و گو برای پیوستن کشورهای اروپای مرکزی و شرقی که از قیمومت شوروی بیرون آمده اند را به اتحادیه اروپا و ناتو آغاز کرد.

در حزب گولیست شیرازه تمام کارها از هم گسیخته و دوستان دیروز آماده اند تا به جان یکدیگر بیفتند. برای تأمین مالی اردوگاه انتخاباتی اش، ادوارد بلادور بر آن می شود تا از صندوق سیاه حزب گولیست برداشت کند که در حسابداری موازی شرکت نفتی الف Elf پنهان بود. به محض این که اتی یین له آندری Étienne Léandri فوت کرد، مقامات قضائی شرکت را توقیف کرد و رهبران آن را نیز به زندان انداختند. ولی ادوارد بلادور، شارل پسکوا و سارکوزی هرگز نتوانستند به گنجینه ای که آرزویش را داشتند دست یابند.

عبور از صحرا

در تمام طول دوره اول ریاست جمهوری، ژک شیراک نیکلا سرکوزی را در فاصله نگه می دارد. نیکلا سرکوزی در این دوران عبور از بیابان برهوتی که شیراک برای او گسترده بود، بی سرو صدا با محافل مالی مناسباتی برقرار می سازد.

در سال ۱۹۹۹، نیکلا سرکوزی سرانجام پس از اتمام فرآیند طلاق بسیار طولانی با سسیلیا ازدواج می کند. دو میلیارد شاهدان ازدواج آنها بودند، مارتین بویگ Martin Bouygues و برنارد آرنو Bernard Arnaud (ثروتمندترین مرد کشور).

آخرین پرده

خیلی پیش از بحران عراق، فرانک و سنر و همکارانش در سازمان سیا تخریب جریان گولیست و به قدرت رساندن نیکلا سرکوزی را برنامه ریزی کرده بودند. در سه مرحله وارد عمل می شوند: ابتداء حذف مدیریت حزب گولیست و تحت کنترل گرفتن دستگاه این حزب، سپس حذف رقبای اصلی دست راستی و جلوگیری از بالا آمدن حزب گولیست در انتخابات ریاست جمهوری و سرانجام حذف هر گونه رقیب جدی در چپ به گونه ای که پیروزی شان در انتخابات حتمی باشد.

طی سال ها رسانه ها توجه عمومی را روی افشاءگری های پس از مرگ یک معامله گر ساختمان جلب کرد. پیش از آن که در اثر بیماری بسیار وخیمش فوت کند، به دلیلی که هرگز معلوم نشد اعترافاتی را درمقابل دوربین ویدئو ضبط کرد. به دلیل باز هم نامعلوم تری این «کاست» به دست یکی از مقامات بالای حزب سوسیالیست یعنی دومینیک تروسکان Dominique Strauss-Khan (DSK) افتاد که آن را به شکل غیر مستقیم در اختیار رسانه ها قرار داد.

اگر اعترافات معامله گر ساختمان به هیچ محکومیت قضائی نمی انجامد، ولی جعبه پاندور را باز می کند (اصطلاحی که به معنای بروز مشکلات و مصائب متعدد است). قربانی اصلی پیامدهای بعدی نخست وزیر فرانسه آلن ژوپه بود که برای حفاظت از ژک شیراک تمام جرائم اعلام شده را به عهده گرفت. با کنار گذاشتن آلن ژوپه راه برای نیکلا سرکوزی باز شد تا هدایت حزب گولیست را در اختیار گیرد.

در نتیجه سرکوزی از موقعیت خود استفاده کرد تا ژک شیراک را مجبور سازد، با وجود نفرت متقابل، که او را در دولت بپذیرد. سرانجام او به عنوان وزیر کشور برگزیده شد. اشتباه! در این مقام، او از فرمانداری ها و اطلاعات کشور برای نفوذ در ادارات بزرگ استفاده کرد. او در عین حال به امور کورس نیز رسیدگی کرد. کلود اریناک

Claude Èrignac مقام عالی رتبه فرمانداری به قتل رسید. گرچه این قتل از سوی هیچ گروهی به رسمیت شناخته نشد، ولی فوراً به عنوان حرکت استقلال طلبان کورس علیه دولت فرانسه تلقی گردید. پس از پی گردی طولانی، پولیس یک فرد مظنون فراری را دستگیر کرد، این فرد ایو کلونا Yvan Colonna پسر یکی از نمایندگان سوسیالیست بود. نیکلا سرکوزی بی آن که مهلت اثبات جرم را رعایت کند اعلام کرد که بازداشت به دلیل اتهام مظنون به قتل انجام گرفته است. این خبر در فاصله دو روز مانده به همه پرسى که وزیر کشور برای تغییر وضعیت جزیره کورس سازمان دهی کرده بود اعلام شد. در هر صورت، رأی دهندگان طرح سرکوزی را نپذیرفتند زیرا از دیدگاه برخی پیشنهادات او بیشتر برای تأمین منافع مافیای طراحي شده بود.

گرچه ایو کلونا بعداً گناهکار معرفی شد، ولی هیچ گاه محکومیت خود را نپذیرفت و خودش را بی گناه می دانست، علاوه بر این هیچ مدرک جرم عینی نیز علیه او وجود نداشت. ولی به شکل شگفت آوری، ایو کلونا دیواری از سکوت به دور خود کشید و ترجیح داد محکوم شود تا این که آنچه را که می داند به زبان بیاورد.

ولی حقیقت را ما در اینجا می گوئیم که کلود ارینیاک به دست ناسیونالیست های کورس کشته نشده بود، بلکه توسط یک قاتل حرفه ئی به قتل رسید که بعداً او را به آنگولا منتقل کردند و در بخش حفاظت امنیتی شرکت نفتی Elf استخدام شد. انگیزه این جنایت مشخصاً به عملکردهای پیشین کلود ارینیاک در مقام مسئول شبکه های افریقائی تحت کنترل شارل پسکوا در وزارت همکاری مرتبط بود. ایو کلونا نیز از ده ها سال پیش دوست شخصی و دوست دوران کودکی نیکلا سرکوزی بود.

ماجرای تازه ای به وقوع می پیوندد : پرونده جعلی افرادی را به پنهان کردن حساب بانکی در مؤسسه بانکی «کلرستیرم» Clearstream در لوگزامبورگ متهم می کند. بین افراد متهم : نیکلا سرکوزی دیده می شود. او شکایت می کند و به شکل ضمنی دومینیک دو ویلپن رقیب دست راستی در انتخابات را متهم می داند که علیه او توطئه چینی کرده است، و هدف خود را نیز پنهان نمی کند که می خواهد او را به زندان بیندازد.

در واقع پرونده جعلی توسط اعضای بنیاد فرانسوی و امریکائی (۵) که جان نگروپونت John Negroponte رئیس آن بود و فرانک ویسنر مدیریت اداری آن را به عهده داشت. آنچه را که قضات کلرستیرم نمی دانستند و ما در اینجا افشاء می کنیم، این است که فهرست جعلی در لندن توسط یک دفتر مشترک سازمان سیا و ام آی ۶ و هاکلویت و شرکاء Co & Hakluyt تنظیم شده بود که فرانک ویسنر مدیریت آن را به عهده داشت. دوویلین در مقابل اتهامات از خودش دفاع می کند، ولی تحت بازرسی قرار می گیرد و به ماندگاری در محل اقامت محکوم می شود و عملاً به شکل موقتی از زندگی سیاسی برکنار می گردد. بر این اساس راه برای نیکلا سرکوزی در جناح راست باز می شود.

تنها نامزدهای اپوزیسیون باقی می مانند که باید خنثی شوند. کمک های مالی برای پیوستن به حزب سوسیالیست کاهش می یابد و تنها در حد نمادینه تا مبارزان تازه ای را جلب کنند. ناگهان هزاران جوان کارت عضویت گرفتند. بین آنها، دست کم ده هزار طرفدار جدید عضو شدند که در واقع طرفداران حزب تروتسکیست «لامبرتیست lambertiste» بودند (نام بنیانگذار آن پی یر لامبر Pierre Lambert). این بخش از تشکیلات چپ افراطی از دیدگاه تاریخی علیه کمونیست های ستالینی طی جنگ سرد به خدمت سازمان سیا درآمد (این تشکیلات چپ افراطی معادل سوسیال دموکراسی ایالات متحده به رهبری مکس شاتچمن SD/USA de Max Shatchman است که نو محافظه کاران را در ایالات متحده آموزش داده است) (۶). برای نخستین بار نیست که «لامبرتیست ها» در حزب سوسیالیست نفوذ کرده اند. پیش از این دو مأمور مشهور سازمان سیا وارد حزب شدند، یکی از آنها لیونل

ژوسپین Lionel Jospin است که به مقام نخست وزیری رسید و دیگری ژان کریستوف کامبادلی Jean-Christophe Cambadélis که مشاور اصلی دومینیک تروسکان Dominique Strauss-Kahn است (۷).
مقدمات دور اول در بطن حزب سوسیالیست برای تعیین نامزد انتخابات ریاست جمهوری سازماندهی می شود، دو شخصیت سیاسی در رقابت با یکدیگرند: لوران فبیوس Laurent Fabius و سگولن رویال Ségolène Royal. تنها اولی برای سرکوزی خطر جدی به حساب می آمد. دومینیک تروسکان وارد مسابقه می شود ولی تنها با این هدف که فبیوس را در آخرین لحظه حذف کند. این کار را نیز به کمک آرای مبارزان «لامبرتیست» که در حزب سوسیالیست نفوذ کرده بودند انجام می دهد، نه با جمع آوری رأی برای خود او بلکه برای سگولن رویال. عملیات ممکن می گردد زیرا تروسکان از مدت ها پیش در روی موج امور مالی ایالات متحده شناور است. فرانسوی ها معمولاً اطلاع ندارند که او در کلاس های استنفورد Stanford درس می داده و توسط کوندولیزا رایس مدیر دانشگاه استخدام شده بوده است (۸).
نیکلا سرکوزی از روزی که به قدرت رسید و کوندولیزا رایس هر دو از تروسکان قهرمانی به عمل آوردند و او را به عنوان مدیر صندوق بین المللی پول انتخاب کردند.

نخستین روز در کاخ الیزه

شب دومین دور انتخابات ریاست جمهوری، وقتی مؤسسات آمارگیری پیروزی احتمالی نیکلا سرکوزی را اعلام کردند، او از مرکز فرماندهی اردوگاه انتخاباتی اش سخنرانی کوتاهی خطاب به ملت فرانسه، خلاف تمام رسوم و آئین رایج به جای برگزاری جشن با طرفداران حزبی، به فوکتس Fouquet's کافه بسیار مشهور در شانزه لیزه رفت که پاتوق «اتحادیه کورس» بود که البته امروز در تعلق دومینیک دسین Dominique Desseigne کازینودار است. این کافه در اختیار رئیس جمهور برگزیده قرار گرفته بود تا دوستان و پشتیبانان مالی اردوگاه خود را در آنجا ملاقات کند. صدها نفر از دعوت شدگان در هم می لولیند، ثروتمندترین های فرانسه با کارفرمایان کازینو در کنار یکدیگر گفت و گو می کردند.

سپس رئیس جمهور برگزیده چند روز به تعطیلاتی که شایسته آن است می رود. با هواپیمای فالتون ۹۰۰ خصوصی به مالت می رود، و روی پالوما کشتی تفریحی به طول ۶۵ متر به استراحت می پردازد. کشتی تفریحی متعلق به دوستش ونسان بلوره Vincent Bolloré میلیاردر و دست پرورده بانک روتشیلد است.

سرانجام نیکلا سرکوزی به مقام ریاست جمهوری فرانسه می رسد. نخستین فرمانی را که صادر می کند برای عفو و بخشایش نیست، بلکه برای صدور جواز برای کازینوهای دوستانش دسین و پارتوش است تا بتوانند تعداد ماشین های پول سازشان را افزایش دهند.

گروه کار و دولتش را تشکیل می دهد. بی آن که جای شگفتی بوده باشد، صاحب کازینو (وزیر جوانان و ورزش) و لابیست کازینوهای دوستش دسین (که به سخن گوی حزب «گولیست» تبدیل می شود).

نیکلا سرکوزی پیش از همه روی چهار نفر تکیه می کند:

کلود گه آن Claude Guéant سردبیر عمومی کاخ الیزه. او دست راست قدیمی شارل پسکوا است.

ژان داوید لویت Jean-David Lévitte مشاور دیپلماتیک. پسر مدیر پیشین آژانس یهودی. سفیر فرانسه در سازمان ملل متحد، شیراک او را از مقامش برکنار کرد زیرا او را خیلی به جرج بوش نزدیک می دانست.

فرانسوا پرول François Pérol، معاون دبیر عمومی کاخ الیزه. او یکی از شرکاء و مدیران بانک روتشیلد است.

آلن بوئر Alain Bauer، مرد سایه. نام او در دفتر آدرس ها و شماره تلفون ها نوشته نشده است. او مأمور سرویس اطلاعاتی است. استاد بزرگ شرق فرانسه (از شاخه های اصلی مسووری فرانسوی) و شماره ۲ آژانس امنیت ملی ایالات متحده در اروپا (مترجم: نویسنده چندین کتاب درباره جرم شناسی و تروریسم) (۹).

فرانک ویسنر که در این مدت به عنوان فرستاده ویژه رئیس جمهور بوش برای استقلال کوزوو برگزیده شده است، روی گزینش برنارد کوشنر Bernard Kouchner به عنوان وزیر امور خارجه با اولویت مأموریت مضاعف با فشاری می کند: استقلال کوزوو و حذف سیاست فرانسه در رابطه با جهان عرب.

کوشنر کار خود را با شرکت در ایجاد سازمان غیر دولتی بشردوستانه آغاز کرد. به یاری کمک های مالی از سوی بنیاد ملی برای دموکراسی National Endowment for Democracy او در عملیات زیبیگنیف برژینسکی در افغانستان در کنار اسامه بن لادن و برادران کرزی علیه شوروی شرکت داشت.

در سال ۱۹۹۰ او را در کنار علی عزت بیگوچ در بوسنی هرزگوین می بینیم. از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ او نماینده سازمان ملل متحد در کوزوو بود. زیر کنترل احمد ولی کرزی برادر ناتنی حمید کرزی، افغانستان به نخستین تولید کننده خشخاش تبدیل شد. شیره گیاهی در محل به هروئین تبدیل می شد و توسط نیروی هوایی ایالات متحده به اردوگاه بوندستید Camp Bondsteel (در کوزوو) منتقل می شد. در آنجا، مردان هاشم تاچی ماده مخدر را در اروپا و به شکل جانبی در ایالات متحده به فروش می رساندند (۱۰). درآمد حاصل از فروش مواد مخدر مخارج مالی عملیات غیر قانونی سازمان سیا را تأمین می کرد.

کرزی و تاچی دوست شخصی و قدیمی برنارد کوشنر هستند که مطمئناً با وجود پرونده های بین المللی که درباره آنها وجود دارد از فعالیت های تبهکارانه این دو دوست بی اطلاع بوده است.

نیکلا سرکوزی برای تکمیل اعضای دولتش کریستین لاگارد Christine Lagarde را به عنوان وزیر اقتصاد و امور مالی انتخاب کرد. کریستین لاگارد تمام کار حرفه ئی خود را در ایالات متحده به تکوین رساند و در آنجا مدیریت کابینه بسیار معتبر وکلای بیکر و مک کنزی McKenzie & Baker را مدیریت می کرد. در بطن مرکز بین المللی تحقیقات ستراتیژیک به مدیریت دیک چنی، کریستین لاگارد با مدیریت مشترک زیبیگنیف برژینسکی روی یک گروه کار نظارت داشت که موضوع مرکزی آن خصوصی سازی در پولند بود. او در عین حال لابی شدیدی را به حساب لاکهید مارتین Lockheed Martin علیه هواپیماسازی فرانسوی داسو سازماندهی کرد (۱۱).

تعطیلات تابستانی. نیکلا و سسیلیا زوج آزاد و فرزندان شان برای تعطیلات به ایالات متحده در ولفنبورو Wolfenboro رفتند که در فاصله کمی از ملک رئیس جمهور بوش واقع شده بود. مخارج این مسافرت را نیز این بار رابرت آگوستینلی Robert F. Agostinelli می پردازد که بانکدار امور ایتالیائی نیویورکی، صهیونیست و نئو محافظه کار اصیل است و در ماهنامه Commentary مجله انجمن یهودیان امریکا مقاله می نویسد.

موفقیت نیکلا روی برادر ناتنی اش پییر اولیویه Pierre-Olivier منعکس شد. با نام امریکائی شده د- اولیور «d'Oliver» توسط فرانک کارلوسی Frank Carlucci (که شماره ۲ سازمان سیا پس از این که فرانک ویسنر او را استخدام کرد) (۱۲) به عنوان مدیر جدید صندوق سرمایه گذاری های گروه کارلیل Carlyle Group (شرکت مشترک برای مدیریت کیف پول خانواده بوش ها و بن لادن ها) (۱۳). بی هیچ کیفیت برجسته ای از دیدگاه شخصیتی، به پنجمین رابط عملیات تجاری در جهان تبدیل شد و مدیریت دارائی ها و صندوق حاکمان کویت و سنگاپور را به عهده گرفت.

بر اساس آمار، میزان طرفداری مردم از رئیس جمهور در حال سقوط آزاد است. یکی از مشاوران در زمینه ارتباطات، ژک سگلا Jacques Séguéla پیشنهاد کرد تا با یک « سریال داستان عام پسند» توجه عمومی را منحرف سازند. پس چنین شد که گزارش طلاق سسیلیا از نیکلا در روزنامه لیبراسیون متعلق به دوست قدیمی اش ادوارد روتشیلد Edouard de Rothschild برای کنار زدن شعارهای روز تظاهرات عمومی منتشر شد. سریال داستان عام پسند باز هم اوج تازه ای پیدا کرد، قرار ملاقات با هنرمند و مانکن قدیمی کارلا برونو Carla Bruni سازماندهی شد. چند روز بعد، رسانه با طبل و شیپور رابطه بین کارلا برونو و رئیس جمهور را منتشر کردند که دوباره موجب کنار زدن مسائل سیاسی شد. چند هفته بعد سومین ازدواج نیکلا رسانه ها را اشباع کرد. این بار، ماتیله آگوستینلی Mathilde Agostinelli (همسر رابرت) و نیکلا بازیر Nicolas Bazire مدیر قدیمی کابینه ادوارد بلادور که مدیر و شریک روتشیلد شده بود.

این کدامین روز خواهد بود که فرانسوی ها سرانجام چشمانشان را باز کنند تا به روشنی ببینند که با چه کسی سروکار دارند ؟

[Thierry Meyssan](#)



اطلاعات موجود در این مقاله طی میز گرد اختتام تالار گفت و گوی رسانه های اورآسیا [Eurasian Media Forum](#) (در قزاقستان، ۲۵ اپریل ۲۰۰۸) مطرح گردید که به روش های جذب عوام و کاربست زیبایی ها و زرق و برق در سیاست اختصاص داشت.

یادداشت ها:

[۱] « [Quand le stay-behind portait De Gaulle au pouvoir](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire ۲۷, août 2001

[۲] « [Quand le stay-behind voulait remplacer De Gaulle](#) », par Thierry Meyssan, Réseau Voltaire ۱۰, septembre 2001

[۳] *L'Énigme Pasqua*, par Thierry Meyssan, Golias ed, 2000.

[۴] *Les requins. Un réseau au cœur des affaires*, par Julien Caumer, Flammarion, 1999.

[۵] » [Un relais des États-Unis en France : la French American Foundation] ,« par Pierre Hillard ,Réseau Voltaire ۱۹ ,avril 2007.

[۶] » [Les New York Intellectuals et l'invention du néo-conservatisme] ,« par Denis Boneau ,Réseau Voltaire ۲۶ ,novembre 2004.

[۷] [Le responsable US du renseignement, Irving Brown en personne, a revendiqué avoir lui-même recruté et formé MM. Jospin et Cambadélis pour lutter contre les stalinien alors qu'ils militaient chez les lambertistes pour, cf .Éminences grises ,Roger Faligot et Rémi Kauffer, Fayard, 1992 ; « The Origin of CIA Financing of AFL Programs » in Covert Action Quarterly ,n° 76, 1999. Il importe d'éviter une interprétation anachronique : leur engagement au service des USA est celui d'atlantistes durant la Guerre froide. Au-delà, il les conduira, par exemple, en 1999, à jouer un rôle central dans l'engagement de Paris au sein de l'OTAN pour bombarder Belgrade, pourtant allié traditionnel de la France. De même, il importe d'éviter les fausses équivalences : la collaboration de Nicolas Sarkozy avec les USA ne s'est pas développée sur une base idéologique, mais relationnelle et carriériste (note modifiée le 27 juillet 2008 en réponse à des lecteurs.)

[۸] » [Dominique Strauss-Kahn, l'homme de « Condi » au FMI] ,« par Thierry Meyssan , Réseau Voltaire ۵ ,octobre 2007.

[۹] » [Alain Bauer, de la SAIC au GODEF] ,« Note d'information du Réseau Voltaire ۱ ,er octobre 2000.

[۱۰] » [Le gouvernement kosovar et le crime organisé] ,« par Jürgen Roth ,Horizons et débats ۸ ,avril 2008.

[۱۱] » [Avec Christine Lagarde, l'industrie US entre au gouvernement français] ,« Réseau Voltaire ۲۲ ,juin 2005.

[۱۲] » [L'honorable Frank Carlucci] ,« par Thierry Meyssan ,Réseau Voltaire ۱۱ ,février 2004.

[۱۳] » [Les liens financiers occultes des Bush et des Ben Laden] « et » [Le Carlyle Group, une affaire d'initiés] ,« Réseau Voltaire ۱۶ ,octobre 2001 et 9 février 2004.

۱۴) مترجم : برای آشنائی بیشتر با شخصیت نگروپونت- یا نگروپوینت - یا نگرو پونتی به مقالات زیر مراجعه کنید

تروریسم با چهره انسانی : تاریخ اسکادران مرگ امریکائی

عراق : تروریسم « ساخت ایالات متحده امریکا » و هرج و مرج سازنده در خاورمیانه

لینک متن اصلی در شبکه بین المللی ولتر

<http://www.voltairenet.org/article157210.html>

گاهنامه هنر و مبارزه

۲ فبروری ۲۰۱۵

ویژه نامه

۱۹ ژوئیه ۲۰۰۸

Édition spéciale

**Opération Sarkozy : comment la CIA a placé un de ses agents
à la présidence de la République française**